

یک بار یک پلیس
را در حین آزار
واذیت کردن
شخصیت‌های
بزرگ افغانستانی
به زور سوار ماشین
کردم و تحویل
وزارت امور خارجه
دادم تا نشان دهم
که آنها ماتم بی
اساس نیست

بدی گذاشت. در نهایت مسئولیت‌های خود را به طور کامل به عهده گرفتم و صادقانه آن‌ها را به جانشین خود سپردم و به خانه بازگشتم.

صنعت و معدن

پس از استعفا از وزارت دفاع، به مدت سه ماه را در خانه‌ام در کابل سپری کردم. زندگی عادی، بعد از آن همه مشکلات، برای من روزهای خوبی را رقم می‌زد. هرچند که از نظر اقتصادی به مشکل برمی‌خوردم و چندباری مجبور به قرض پول شدم، اما بیشتر وقت‌ها را بین خانه و نماز در مسجد تقسیم کرده بودم. یکی از روزها ملا محمد ربانی به دیدارم آمد و به نقل از امیرالمؤمنین از من خواست به وزارت دفاع بازگردم. من امتناع کردم و عذر آوردم. تا اینکه ملا محمد عمر مراد عوت کرد پیشش بروم. چاره‌ای نبود، به قندهار رفتم. او به من گفت یا باید مسئولیت را بپذیری یا زندانیت می‌کنم. من مجدد رد کردم. او بسیار تعجب کرد و گفت باشد، اما باید در یکی از وزارتخانه‌های غیر نظامی مسئولیت بپذیری. دوروز پس از بازگشتم از قندهار به کابل، به عنوان معاون وزیر صنعت و معدن منصوب شدم. در آن زمان مولوی احمد خان در راس وزارتخانه بود و مولوی محمد اعظم علمی، معاون اول وزیر بود. در ادامه ملا محمد ملامر، سمت کل صنایع شمال و همچنین مدتی پس از آن مدیریت مستقیم حمل و نقل را نیز به عهده من گذاشت. در تمام این مسئولیت‌ها سعی کردم اقدامات خوب و درستی انجام دهم که نتایج خوبی به همراه داشت.

مدتی بعد امیرمومنین من را به عنوان سفیر افغانستان در پاکستان منصوب کرد. انتصاب من به این منصب، چیزی بود که بسیاری آرزویش را داشتند، زندگی در اسلام آباد قطعا رفاه بیشتری داشت، اما این چیزی نبود که من به دنبالش بودم. اما در هر صورت از رد آن ناتوان بودم.

اصول دیپلماسی

افغانستان و پاکستان نه تنها بدلیل وجود مرز مشترک، بلکه بدلیل فرهنگ، مذهب، قومیت‌ها و زبان مشترک متحد بودند. تنها جم اتحاد شوروی نیز این اتحاد را بیشتر کرد. تعامل با وزارت امور خارجه که مرجع اصلی سفارت بود به من احساس آرامش می‌داد و در هنگام روبرویی با هر مشکلی به مسئولان وزارتخانه مراجعه می‌کردم. گاهی حتی با معاون وزیر یا شخص وزیر برای بحث در مورد موضوعات مشخصی ملاقات داشتم.

ملاقات متعددی با عبدالستار، وزیر امور خارجه داشتم و او را به عنوان فردی درستکار و با تقوا شناختم. او گفت که باید به اهداف افغانستان بیشتر توجه کنیم. گفت که من باید در تلاش‌های دیپلماتیک فعال تر باشم و با دیپلمات‌های بیشتری ملاقات کنم. گفتگوهای سه جانبه میان افغانستان، پاکستان و آمریکا با مدیریت پاکستان انجام شد اما نه از آن اطلاع داشتم و نه با آن موافق بودم. پاکستان به دیپلمات‌های آمریکایی اعلام کرده بود که غیبت من دلیل روشنی بر عدم تمایل طالبان به مذاکره است. با این حال بارها به سفارت آمریکا اطلاع داده بودم که باید شخصا با من یا به طور مستقیم با سفارت